حقوق استادان در دانشگاه کشورهای همسایه بین چهار تا هفت هزار دلار و در ایران ۳۰۰ دلار است

# کاهش مهاجرت دانشگاهیان با بهبود معیشت اساتید

**گروه اجتماعی**

«حقوق استادان در دانشگاه کشورهای همسایه ماهانه بین چهار تا هفت هزار دلار است، حال آنکه حقوق یک استاد تمام در دانشگاه‌های ایران به سختی به هزار دلار می‌رسد و برخی اساتید دانشگاه که جوان‌ترند، ماهانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار حقوق می‌گیرند که با این مبلغ نمی‌توان زندگی تشکیل داد، مسکن تهیه کرد، ماشین خرید یا هزینه تحصیل فرزندان را تأمین کرد.» گوینده این عبارت، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری است که دوم آذرماه در حاشیه اجتماع فعالان بسیج دانشجویی برای چندمین بار از زمان آغاز به کار دولت چهاردهم، نسبت به تأثیر شرایط اقتصادی نامطلوب و فاصله زیاد میان دستمزدها و هزینه‌های زندگی اساتید بر کاهش انگیزه و سرخوردگی آنان اظهار نگرانی کرده است.

حسین سیمایی صراف پیش‌تر نیز گفته بود که در حوزه جذب و نگه داشتن نخبگان مشکل داریم و روند مهاجرت دانشگاهیان افزایشی و میل به بازگشت کاهشی شده است. او مشکلات معیشتی را یکی از مهم‌ترین عوامل مهاجرت دانشگاهیان برشمرده و گفته است که دولت برای کم کردن عوامل مهاجرت چند برنامه جدی در دستور کار دارد. وزیر علوم درباره اینکه دولت چهاردهم با چه رویکرد و الگویی قصد دارد روند مهاجرت استادان و دانشجویان را کنترل یا متوقف کند، توضیح زیادی نداده و تنها ابراز امیدواری کرده است که علاوه بر بودجه رسمی، منابع دیگری برای تأمین اقتصادی دانشگاه‌ها تأمین شود.

چنین اظهاراتی این واقعیت تلخ را به رخ می‌کشد که در سالیان اخیر فعالیت در عرصه علم و پژوهش با چالش‌های عدیده‌ای همراه شده است و به نظر می‌رسد این وضعیت روی روند جامعه برای رسیدن به کرسی هیئت علمی هم اثرگذار بوده، به طوری که فراخوان جذب هیئت علمی از سوی وزارت علوم نسبت به سال‌های گذشته ریزش قابل توجهی دارد؛ ریزشی که نشان می‌دهد سوگیری جامعه به این شغل دستخوش تغییر شده است و مطابق آمار اعلامی وزیر علوم، در چند سال اخیر ۲۵ درصد از استادان مهاجرت کرده‌اند. او ۲۵ درصد را عدد نگران‌کننده‌ای توصیف کرده است؛ چراکه وقتی این روند ادامه پیدا کند افرادی جایگزین آن هامی‌شوند که شاید از مرتبه ضعیف‌تری برخوردارند. هرچند برخی از کارشناسان این آمار را نادرست می‌دانند. عده‌ای از یک سو در مورد آمار مهاجرت اساتید اغراق می‌کنند و عده‌ای هم از سوی دیگر ادعا می‌کنند که برخلاف تصور عموم جامعه عدد مهاجرت نخبگان و نیروی انسانی با کیفیت در کشورمان قابل توجه نیست، اما هیچ‌گونه مستند شفافی برای تحلیل و صحت‌سنجی این ادعاها وجود ندارد، بااین حال موضوعی که نمی‌توان در آن تردید کرد، مسائل مالی استادان دانشگاه است که در برخی موارد مهاجرت را در نزد گروهی از آنان به گزینه‌ای جذاب بدل کرده است و مطابق دیدگاه صاحب‌نظران، حتی کوچ کمتر از یک درصد اساتید هم اتفاقی به غایت نامبارک است، به این دلیل که آنان، سرمایه انسانی با کیفیت و عامل رشد و پیشرفت کشور هستند.

رحمان زندی، دانشیار پایه ۱۵ دانشگاه اصفهان با تأیید این موضوع به «رسالت» می‌گوید: «وزارت علوم باید در حوزه مسائل رفاهی تلاش کرده و معضل مسکن را حل کند. وقتی اساتید مشکل معیشتی داشته باشند، با وجود عرق ملی و عشقی که به کشور دارند، مهاجرت می‌کنند، در این شرایط رشد علمی افت می‌کند و کیفیت پژوهش‌ها به طرز مشهودی کاهش می‌یابد.»

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

**آقای زندی این روزها بار دیگر موضوع مهاجرت اساتید خبرساز شده، صرف نظر از آمارهایی که در این حوزه ارائه شده و درستی یا نادرستی آن، فکر می‌کنید چه دلایلی باعث می‌شود هرازگاهی این بحث در رسانه‌ها بازتاب پیدا کند؟**

همانطور که می‌دانید این گونه مباحث تازگی ندارد و ازقبل هم در سطح رسانه‌ها مطرح بوده. منتها در این دوره بیش از گذشته نمود دارد، به این خاطر که مشکلات معیشتی اساتید تشدید شده است. طبیعتا استادان ما تمایلی به مهاجرت ندارند و کشورشان را دوست دارند اما وقتی درآمد خود را با اساتید در سایر کشورها مقایسه می‌کنند، نوعی احساس سرخوردگی و بی‌انگیزگی به آن‌ها دست می‌دهد.

در نظر داشته باشید که مقالات و پژوهش‌های اساتید ما در نشریات بین‌المللی منتشر می‌شود و جامعه علمی هم به خوبی آنان را می‌شناسد و روی سطح مطالب و توان علمی آن‌ها شناخت کامل و کافی دارند، علیرغم تلاش‌های علمی صورت گرفته، آنچنان به لحاظ اقتصادی تحت فشارند که با وجود عرق ملی و عشقی که به کشور دارند، به مهاجرت فکر می‌کنند. مدت‌هاست موج مهاجرت تنها به کشورهای درجه یک اروپایی محدود نمانده و اگر در گذشته اساتید به کشورهای درجه یک اروپایی مهاجرت می‌کردند، اکنون حاضرند به جوامع درجه سه اروپایی هم بروند که یک عامل آن به مسائل اقتصادی برمی‌گردد. از سال ۱۳۹۰ به بعد هیچ‌گاه رشد حقوقی استاید به اندازه تورم نبوده و هرسال وضعیت بدتری می‌شود. خودم را مثال می‌زنم که سال ۱۳۹۴ وقتی فارغ‌التحصیل شدم و به کشور برگشتم، حقوق و مزایای یک استاد در ایران ۲ هزار دلار بود و پیش از اینکه برگردم، به من پیشنهاد دادند بمانم و دو برابر این حقوق را دریافت کنم، بااین حال ترجیح دادم با حقوق کمتری در کشور خودم خدمت کنم. اما امروز حقوق یک استادیار پایه یک کمتر از ۳۰۰ دلار است. چندی قبل یکی از اساتیدی که به تازگی استخدام شده، عنوان می‌کرد وام خرید مسکن اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم یک میلیارد تومان است و در حالی اقساط ماهانه آن ۲۰ میلیون تومان است که فقط ۱۸ میلیون تومان حقوق می‌گیرد! اگر این استاد تمام حقوقش را پس‌انداز کند، باز هم قادر نیست این قسط را بپردازد. از سوی دیگر با مبلغ یک میلیارد تومان در شهرهای کوچک و حتی روستاها نیز نمی‌توان خانه‌ای پیدا کرد. این مسائل نشان می‌دهد که مسئولان ما درک درستی از شرایط ندارند. البته سوای دلایل اقتصادی که در جای خود بسیار مهم است، گاهی وزارتخانه علوم طرح‌هایی ارائه می‌دهد که بسیار عجیب است و این موارد نیز روند سرخوردگی را تشدید می‌کند. به عنوان مثال در دوره وزیر پیشین طرحی را تحت عنوان پایه‌های تشویقی ارائه دادند. من به عنوان دانشیار پایه ۱۵ با حدود ۷۰ مقاله توانستم یک پایه بگیرم، که آن هم حدود ۷۰ هزار تومان حقوقم را افزایش داده، بنابراین چنین مبالغی زندگی یک استاد را تغییر نمی‌دهد. تا پیش از شهریور امسال می‌خواستم مقاله‌ای را در یکی از نشریات دانشگاه آزاد چاپ کنم؛ هزینه چاپ مقاله‌ام ۳۰۰ هزار تومان بود. از اول مهرماه این مبلغ ۳ میلیون تومان شده است. یعنی ۱۰ برابر افزایش پیدا کرده. درحالی که اگر بخواهم مقاله‌ای را در یک نشریه خوب چاپ کنم، هزینه چاپ آن حداقل هزار دلار است. این هزار دلار حقوق سه ماه من است. با این وضعیت نمی‌توانیم همگام با جامعه جهانی رشد کنیم.

گفته شده برای سال آینده قرار است افزایش حقوق ۲۰ درصدباشد، حال اینکه ۲۰ درصد جوابگوی تورم ۴۹/۵ درصدی نیست. سال بعد هم باشرایطی که پیش‌بینی شده، نرخ تورم بیشتر خواهد بود. لذا هرسال داریم قدرت اقتصادی جامعه علمی را پایین‌تر می‌آوریم. برخی از دوستان ما در سایر کشورها برای انجام کار علمی و تهیه هر مقاله ۳ هزار دلار پاداش می‌گیرند. درصورتی که این مبلغ برای ما ۳۰۰ هزار تومان است که تازه پس از یک سال پرداخت می‌شود و این موارد زمینه‌ساز مهاجرت است. تصور نکنیم اساتیدی که مانده‌اند توانایی رفتن ندارند، می‌توانند بروند اما بسیاری از اساتیدی که با شرایط حال حاضر دارند می‌جنگند و تلاششان برای ماندن است، به دلیل وابستگی‌های خانوادگی و عرق ملی تمایلی به رفتن ندارند. البته مشخص نیست تا چه زمانی توانایی جنگیدن با مشکلات اقتصادی را خواهند داشت.

استادان دانشگاه اگر چه ۱۰ تا ۱۲ ساعت تدریس موظفی دارند، ولی ۴۰ ساعت در هفته در دانشگاه محل خدمتشان حضور دارند، و این به معنای حضور تمام‌وقت است. علاوه بر این‌ها زمانی را هم باید برای کارهای پژوهشی، مطالعه پایان‌نامه و پروپزال دانشجویان و اصلاح مقالات صرف کنند، به این مفهوم که فعالیت پژوهشی اساتید خارج از آن فضای ۴۰ ساعت فعالیتی است که در محیط دانشگاه تعریف می‌شود. از این نظر می‌توانیم بگوییم اساتید ما به‌صورت تمام‌وقت فعالیت می‌کنند، با این وجود یک استاد تمام دانشگاه ما، با ۳۰ سال سابقه کار و ۶۰ پایه تشویقی، به اندازه یک نیروی حراست وزارت نفت با مدرک دیپلم یا زیردیپلم حقوق دریافت نمی‌کند. بنابراین یک پروفسور تمام دانشگاه ما که در جامعه علمی کاملا شناخته‌شده است با یک نیروی حراست در وزارت نفت از نظر دریافت حقوق و مزایا کاملا با یکدیگر متفاوت‌اند و این معضل بزرگی است. در گذشته، اساتید دانشگاه، قشر مرفه و جزء ده‌های هشتم، نهم و دهم بودند اما در حال حاضر اساتید جزء دهک‌های پنجم به پایین هستند!

البته در اینجا مشکل تغییر قوانین هم مطرح است که هر دوره با تغییر وزرای علوم، معاونین آموزشی و پژوهشی، آیین نامه‌ها و قوانین جدیدی در دستور کار قرار می‌گیرد که واقعا خسته‌کننده است. این تغییر قوانین و آیین نامه‌ها تحولی را ایجاد نکرده است.

**برخی از صاحب‌نظران قائل‌اند به اینکه پدیده مهاجرت استادان دانشگاه محدود به اساتید تراز اول و افرادی بسیار فعال از نظر پژوهشی است؛ چرا که کشورهای خارجی استادان درجه دوم و سوم را استخدام نمی‌کنند، بنابراین در کشور ما اساتید درجه دوم و سوم جایگزین اساتید تراز اول خواهند شد و این موضوع رشد علمی ما را تضعیف می‌کند، شما اساسا با چنین اظهارنظری موافقید؟**

با این نظر و تحلیل موافق نیستم. ما سالیان سال آزمایشگاه و دانشجو در اختیار اعضای هیئت علمی قرار داده‌ایم و این‌ها به لحاظ علمی برای کشور زنده‌اند و در این تردیدی نیست، طبیعتا در شرایط اضطراری که این‌ها کشور را ترک کنند، مجبوریم اساتید دیگری را جایگزین کنیم اما با موضوع درجه‌بندی موافق نیستم. اینکه می‌گوییم اساتید درجه دوم جایگزین درجه اول‌ها می‌شوند، چنین چیزی نیست. قاعدتا اساتید ما در تجربه و توان کاری متفاوت هستند و به لحاظ پژوهشی و حتی ظرفیت آموزشی می‌توان این را مطرح کرد که برخی استادان تجربه کمتر و توان پژوهشی پایین‌تری دارند، اما اساسا درجه‌بندی و طرح آن غلط است. ضمن آنکه معتقدم جای خالی اساتید با تجربه و برجسته ما حس می‌شود و باید برای این مسئله چاره‌اندیشی کرد، چون این موضوع روند علمی را در کشور و در جامعه بین‌المللی تضعیف می‌کند و به این ترتیب رنکینگ دانشگاه‌ها و جایگاه علمی ما تغییر خواهد کرد. وقتی شما بخشی از اساتید خود را به هر دلیلی از جمله به دلایل مهاجرتی از دست می‌دهید، فقط نباید به لحاظ کمی به موضوع نگاه کنید، چون از نظر کیفی توان بیشتری از جامعه گرفته شده است. اگر تصور کنید که ۲۵ درصد اساتید مهاجرت کرده باشند (البته مشروط به اینکه چنین رقمی صحیح باشد) این‌ها ۵۰ درصد توان کیفی ما را تشکیل می‌دادند، بنابراین جایگاه علمی ما نیز به همین نسبت تغییر می‌کند.

**چقدر القای حس ناامیدی در جامعه که از سوی برخی جریانات به عمد دنبال می‌شود، در ترغیب اساتید به مهاجرت اثرگذار بوده است؟**

ببینید تردیدی نیست که برخی عامدانه حس ناامیدی را ایجاد و القا می‌کنند و با شما هم نظرم. درواقع عده‌ای از یک طرف با سیاه‌نمایی شرایط، قصد جذب و مهاجرت قشر تحصیلکرده ایران را دارند و از سوی دیگر ادعا می‌کنند که وضعیت مهاجرت نخبگان و نیروی انسانی با کیفیت به مرز بحران رسیده است. اما در مقابل این سیاه‌نمایی‌ها، ما چه شرایط امیدوارکننده‌ای را فراهم کرده‌ایم؟ اگر قرار باشد اساتید امیدوارم باشند و در نقطه مقابل، این حس امید به آینده را در دانشجویان تقویت کنند، باید اقداماتی از سوی مسئولان انجام شود. مسئولان ما چه اهداف و چشم‌اندازی برای بهبود وضعیت اقتصادی دارند، وقتی هر سال شرایط معیشتی بغرنج‌تر می‌شود، چگونه می‌توان امیدوار بود و امیدوار کرد. اگر مسئولان اعلام می‌کردند دوران کنونی، دوره تغییر و تحولات و ریاضت اقتصادی است و طی ۵ تا ۱۰ سال آینده شرایط تغییر خواهد کرد، آنگاه چشم‌انداز روشن بود و همه امید خود را حفظ می‌کردند، در این صورت عده‌ای نمی‌توانستند عامدانه القای ناامیدی کنند. ولی مسئولان ما اینگونه عمل نکرده‌اند و حتی سیاست‌ها و اسناد بالادستی را دولت‌ها برحسب سلایق خود شان اجرایی می‌کنند. یک روز دولتی بر سر کار می‌آید که اعتقادی به اقدامات علمی در سطح بین‌المللی ندارد و روز دیگر، دولت بعدی، اساتید را به انجام رقابت بین‌المللی ترغیب می‌کند، اما چنانچه به دنبال بین‌المللی سازی هستیم، باید برنامه و توانمان را در همان سطح در نظر بگیریم. درحالی که برنامه مدون و چشم‌اندازی نداریم و نمی‌دانیم طی ۱۰ سال آینده جایگاه اعضای هیئت علمی ما چگونه خواهد بود. اگر قرار است با همین روند پیش برویم، سالانه ۵ درصد اساتید از کشور خارج می‌شوند. گاه شنیده‌ایم برخی مسئولان عنوان می‌کنند باید اساتیدی که مهاجرت کرده‌اند را به داخل کشور بازگردانیم ولی چگونه می‌توان استادی که ماهانه ۱۰ هزار دلار دریافت می‌کند را ترغیب کرد که با حقوق ۳۰۰ دلاری در ایران زندگی کند. آن هم در شرایطی که از ابتدای سال تاکنون تغییرات زیادی در نرخ کالاها صورت گرفته و قدرت خرید اساتید ما در نهمین ماه سال به نسبت اول سال کمتر شده است! بنابراین کسانی که مانده‌اند دلایل خاص خودشان را دارند. نگوییم که این‌ها نمی‌توانند بروند، اتفاقا این‌ها رزومه‌های بسیار قوی و دعوتنامه‌های متعددی از کشورهای مختلف دارند، اما به دلایل زیادی ترجیح داده‌اند بمانند.

**مباحث اجتماعی و مسائلی نظیر فیلترینگ چطور، این موضوع چقدر در افزایش رغبت اساتید برای مهاجرت اثرگذار بوده است؟**

بحث فیلترینگ حتی فیلترینگ سایت‌های علمی بسیار آسیب زننده است و ما برای انجام پژوهش و تحقیق وابسته به اطلاعات هستیم تا بتوانیم به‌عنوان خوراک اولیه پژوهش خود از این اطلاعات استفاده کنیم. طبیعتا با توجه به فیلترینگ و سرعت اینترنت قادر به دریافت داده‌ها نیستیم و حتی برخی از سایت‌های علمی فیلتر نیستند اما مدتی بعد، پس از مراجعه مجدد، می‌بینیم فیلتر شده است. حقیقت امر این است که جنین مسئله‌ای دسترسی به داده‌ها و اطلاعات را دشوار کرده است و این سخت‌تر دستیابی به داده‌ها باعث شده رشد علمی ما کُند شود. البته فیلترینگ از دو سو مطرح است. از یک سو، فیلترینگ توسط مسئولان خودمان اعمال شده و از سوی دیگر نشریات خارجی وقتی مقاله یا پژوهشی توسط پژوهشگر ایرانی ارائه می‌شود، علیرغم کیفیت خوب آن، به سختی چاپ می‌کنند اما اگر همان پژوهش و مقاله را با نام استادی از کشور دیگری ارسال کنیم، به سرعت منتشر می‌شود. این نشان می‌دهد در جامعه بین‌المللی هم مسئله فیلترینگ وجود دارد و در مورد پژوهش‌ها و مقالات اساتید ایرانی بسیار سختگیرانه عمل می‌شود. در داخل کشور هم که فیلترینگ برقرار است و بسیاری از سایت‌ها را با خودمان تحریم و فیلتر کرده‌ایم و یا اینکه آن‌ها ما را فیلتر کرده‌اند. که هردوی این موارد سرعت علمی ما را کُند و علمی برای مهاجرت بوده است.

**به‌عنوان سخن پایانی، تبعات مشکلات معیشتی و سرخوردگی اساتید دانشگاهی چیست؟**

پیامدهای متعددی به همراه داشته و وضعیت نامناسب معیشتی اعضای هیئت علمی از دو جهت آسیب جدی به دانشگاه و دانشگاهیان وارد کرده است؛ از یک سو وقتی عضو هیئت علمی به لحاظ معیشتی تأمین نباشد و در مقدمات روزمره خود دچار مشکل باشد، نه‌تنها در زندگی فردی و خانوادگی با مشکل مواجه می‌شود، بلکه حداقل زمینه لازم برای پژوهش‌های نوآورانه و اثربخش را از بین رفته می‌بیند و نتیجه آن افول رتبه علمی بین‌المللی کشور و کاهش تأثیرگذاری اعضای هیئت علمی وزارت علوم در جامعه و صنعت است. از سوی دیگر روی رغبت جامعه برای رسیدن به کرسی هیئت علمی هم اثرگذار بوده، به طوری که فراخوان جذب هیئت علمی از سوی وزارت علوم نسبت به سال‌های گذشته ریزش قابل توجهی دارد. چندین سال است که در دانشگاه‌های مطرح و تراز یک مابرای جذب استاد هیئت علمی در رشته‌های استراتژیک نظیر پتروشیمی متقاضی وجود ندارد لذا در سالیان آینده تربیت استادان خوب و جایگزین کردن آنان با اساتید تراز اول زنانبر خواهد بود. شاید استادی که ما به‌عنوان استاد یار پایه یک استخدام می‌کنیم، حداقل به ۱۰ تا ۱۲ سال زمان نیاز دارد تا بتواند خودش را به روز کرده و با تراز جهانی رقابت کند. اگر در این ده دوازده سال بتوانیم سایر مشکلات را از سر راهش برداریم و او بتواند خودش را همراه و همگام کند، به آن سطح برسد. ولی اگر روزبه روز مشکلاتش بیشتر شود، ناامید و سرخورده خواهد شد و وارد حیطه دیگری می‌شود. کار علمی و پژوهشی نیاز به تمرکز بسیار بالایی دارد و این تمرکز هم مستلزم برقراری آرامش و ثبات اقتصادی است. وقتی استاد مانگران معیشت، اقساط وام و ودیعه مسکن باشد، آن تمرکز ذهنی لازم را نخواهد داشت. اگر می‌خواهیم از مهاجرت اساتید و پیامدهایش جلوگیری کنیم، باید مشخص شود که وضعیت اعضای هیئت علمی ما در پنج سال آینده چه خواهد بود، شخص وزیر چه برنامه‌ای برای بهبود وضعیت معیشتی اساتید دارند و قرار است طی ۵ سال آینده اساتید ما در چه جبهه‌ای فعالیت کنند، در حال حاضر بسیاری از رشته‌های ما فقط در دانشگاه‌های دولتی تعطیل شده است. در سالیان آینده اگر با همین فرمان پیش برویم، نخبگان را در بسیاری از رشته‌ها نخواهیم داشت. ما نیاز داریم که سند و چشم‌انداز برای اعضای هیئت علمی تهیه و تدوین کنیم که مشخص باشد جایگاه این اعضا در ۵ تا ۱۰ سال آینده کجاست. این مشکل اقتصادی را هم باید درمان کرد، درمان ابتدا با تثبیت است. اگر می‌خواهیم شرایط جذابی از اعضای هیئت علمی را در همین سطحی که هست نگه داریم، حداقل کاری که می‌توانیم انجام دهیم، این است که به اندازه تورم، مزایای اقتصادی رشد کند. ما در جامعه‌ای زیست می‌کنیم که قیمت خودرو به صورت فصلی ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش پیدا می‌کند، اما حقوق اعضای هیئت علمی سالانه ۲۰ درصد به صورت ریالی افزایش می‌یابد، در صورتی که مواد اولیه آزمایشگاه‌هایی که مورد استفاده اعضای هیئت علمی است به دلار است و برای چاپ مقاله باید دلاری هزینه کنند. بنابراین هزینه‌هایشان به دلار، و دریافتی‌شان به ریال است. آستانه تحمل جامعه ما نه تنها در مورد اعضای هیئت علمی بلکه در مورد سایر افرادی که درآمد ثابت دارند، پایین آمده و به لحاظ اقتصادی به شدت در تنگنا هستند.

استادان دانشگاه مادی‌گرا نیستند اما باید برای بهبود معیشت و تهیه مسکن آنان چاره‌اندیشی کرد. در حال حاضر وضعیت به نحوی است که هیچ‌کدام از اساتید شهرستانی تمایل ندارند در دانشگاه‌های تهران تدریس کنند، به این دلیل که امکان تهیه مسکن را ندارند و قادر نیستند با حقوق و مزایایی که دریافت می‌کنند، اجاره‌بهای خانه‌ای ۶۰ تا ۷۰ متری را تأمین کنند. این نشان می‌دهد که متأسفانه مسئولان ما نیاز اساتید به معیشت و مسکن را برطرف نکرده‌اند. اگر اراده‌ای وجود داشته باشد، می‌توان به این نیاز پاسخ داد، دانشگاه‌های ما فضاهای بسیار زیادی در بخش کارگاهی در اختیار دارند که می‌توان در این فضاها با مشارکت وزارت راه و شهرسازی و احدهای سازمانی ساخت، تا حداقل در دوران که مشغول به فعالیت هستند بتوانند از این واحدها استفاده کرده و دغدغه مسکن نداشته باشند. و بعد هم سعی کنیم طرح‌های معیشتی حداقل متناسب با تورم ارائه و وضعیت را تثبیت کنیم.

استاید ما با جان و دل زحمت می‌کشند و عاشق کشورشان هستند. باید قدردان زحمات آنان بود. شاید بسیاری از ما شهید شهریاری را نمی‌شناختیم و اصلا از اقدامات ایشان مطلع نبودیم، تازه پس از شهادت ایشان متوجه شدیم که چه گنجینه‌ای را از دست داده‌ایم، درحالی که دنیا ایشان را کاملا می‌شناخت. ما مشابه ایشان، افراد بسیار زیادی داریم، که باید از ظرفیتشان استفاده کرد و نباید اجازه داد به راحتی از کشور خارج شوند. اساتید دانشگاه مطالبات معقولی دارند، و همانند بازیکنان فوتبال به دنبال درآمدهای میلیاردی و قراردادهای دلاری نیستند اما یکسری خواسته‌هایی دارند تا بتوانند چرخ زندگی را بچرخانند، در این صورت، سرعت چرخه علم هم بیشتر شده و روز به روز شاهد افتخارات علمی بیشتری در سطح بین‌المللی خواهیم بود.


## آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ثبتی ۸۸/۸۹۹۳۵ بخش ۱۱ تهران

نظر به اینکه آقای محمد مرادی برابربرگ تقاضا به شماره وارده ۳۸۰۲۲ مورخ ۱۴۰۳/۸/۲۲ و با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی ثبت شده ذیل شماره یکتا ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۴۹۹۰۰۰۷۸۳ و ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۴۹۹۰۰۰۷۸۴ و شماره گواهی ۷۵۶۱۷۲ و ۳۲۶۳۵۵ مورخ ۱۴۰۳/۸/۲۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۴۱ تهران مدعی شده که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۸۹۹۳۵ فرعی از ۸۸ اصلی مفروز و مجزا شده از ۹۶۶۵ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۳ در طبقه ۳ و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک تهرانپارس استان تهران به مساحت ۵۸/۴۹ مترمربع متن ملک آپارتمان مسکونی قطعه سیزدهم تفکیکی شماره هشتاد و نه هزار و نهصد و سی و پنج فرعی از شماره هشتاد و هشت اصلی مفروز و مجزی شده از شماره ۹۶۶۵ فرعی از اصلی مذکور به مساحت (۵۸/۴۹) پنجاه و هشت متر و چهل و نه دسیمترمربع واقع در سمت جنوب غربی طبقه سوم که (۶/۹۴) شش متر و نود و چهار دسیمترمربع آن پیشرفتگی (۱/۴۵) یک متر و چهل و پنج دسیمترمربع آن بالکن بانضمام انباری قطعه ۹ به مساحت ۱/۳۴ مترمربع

مالکیت محمد مرادی فرزند مصطفی به ش.ش ۲۶۳ متولد ۱۳۴۴/۱/۱ صادره از دیواندره دارای ش.م ۳۸۵۹۲۶۷۹۶۵ با جزسهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۸۸۱۵۴ تاریخ ۱۳۹۵/۷/۱۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۳۱ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۳۶۱۹۸ سری ج سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۱۰۷۹۰۲۲۵۸۵ ثبت گردیده است. به علت پارگی درخواست صدور المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده‌اند. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داراد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد. لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عدم وصول و اخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

رضا النچری

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس

م الف ۱۵۰۶۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۱۰

## آگهی فقدان سند مالکیت

آقای عباس مقصود شوریجه به وکالت از آقای عزیزاله علی‌زاده به موجب وکالتنامه رسمی شماره ۹۷۵۴۳ مورخ ۱۴۰۳/۴/۲۰ دفترخانه شماره ۱۳۷ قائم‌شهر با تسلیم تقاضا وارده به شماره ۱۴۰۳۸۵۶۰۱۰۲۵۰۲۸۶۳۳ مورخ ۱۴۰۳/۸/۲۱ منضم به شش برگ استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی و مصدق شده طی شماره ۲۵۳۶ الی ۲۵۴۰ مورخ ۱۴۰۲/۵/۲ با شناسه ۱۴۰۳۰۲۱۵۳۷۹۳۰۰۰۱۲۰ با رمز تصدیق ۴۶۷۱۵۳ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۶ حوزه ثبتی ری مدعی گردیده سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۶۹/۶۸ مترمربع به پلاک ثبتی ۳۳۳ فرعی از ۶۷۱۳ اصلی مفروزی از ۶۴ فرعی از اصلی مذکور ذیل ثبت ۱۹۹۶۵ صفحه ۲۹ دفتر ۱۸۱ به شماره چاپی ۲۷۵۸۰۵ بنام حمیدرضا حسینمردی به میزان ۳ دانگ مشاع از ششدانگ و ذیل ثبت ۳۱۶۱۵۴ صفحه ۲۴۵ دفتر ۲۰۴۴ به شماره چاپی ۲۷۵۸۰۷ بنام مریم حسینمردی به میزان ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ و ذیل ثبت ۳۱۶۱۵۳ صفحه ۲۴۲ دفتر ۲۰۴۴ به شماره چاپی ۲۷۵۸۰۶ بنام فاطمه حسینمردی به میزان ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ ثبت صادر و تسلیم گردید و سپس برابر سند انتقال قطعی شماره ۲۳۰۷۸۰ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۷ دفترخانه ۴۳ تهران بنام مورد ثبت بنام عزیزاله علی زاده منتقل گردید و طبق سند رهنی شماره ۱۰۴۷۸ مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۷ و ۱۱۹۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ دفترخانه ۶۸۹ تهران در رهن بانک اقتصادنوین قرار گرفته که منجر به صدور اجرائیه تحت کلاسه ۹۳۰۳۴۱۸ و ۱۳۹۳۰۴۱۰۱۰۱۳۰۱۱۷۶۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ گردید. به علت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد. لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. درصورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

بهروز جشان

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران

م الف ۱۵۰۷۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۱۰

## آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مهرانگیز مرادی بیدهندی (مالک) با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق که تحت شماره ۸۹۴۰۱۱ مورخ ۱۴۰۳/۸/۱۵ دفتر اسناد رسمی به شماره ۳۷۱ تهران و درخواست به وارده شماره ۱۰۲۳۰۲۳۱۷۷ مورخ ۱۴۰۳/۸/۱۱ مدعی فقدان سند مالکیت یک قطعه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۵۹۸۸۹ فرعی از ۱۲۳ اصلی مفروز و مجزا شده از ۵۹۲۶ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۲ در غرب طبقه اول و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک کن تهران استان تهران به مساحت ۷۳/۳۴ مترمربع که مقدار (۲/۳۵) دو متر و سی و پنج دسیمترمربع آن بالکن است. به انضمام پارکینگ قطعه ۹ به مساحت ۱۱ مترمربع در غرب زیرزمین اول و انباری قطعه ۵ به مساحت ۳/۳۱ مترمربع در غرب زیرزمین یک که سند مالکیت یک دانگ مشاع از ششدانگ پلاک مذکور به نام خانم مهرانگیز مرادی بیدهندی ثبت و سند به شماره چاپی ۳۹۲۵۸۴ سری ه سال ۰۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۲۳۰۴۰۶۹۶ ثبت و صادر گردیده است.

سپس به علت (اسباب کشی) سند مالکیت خود را مفقود نموده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اسناد مالکیت آن نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این اداره ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. اصل سند مالکیت پس از ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد و به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. درصورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد.

علی زارعی فر

کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران

م الف ۱۵۰۶۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۱۰

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۱۰۴۰ مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۰ منضم به نامه شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۱۰۴۱ مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۰ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادش